

# معلمان بزرگ‌ترین سرمایه فرهنگی جامعه

دکتر مرتضی منادی  
دانشگاه الزهرا  
تصویرگر: جمال رحمتی

موجب برقراری ارتباط خانه با مدرسه می‌شود و این ارتباط تا سال‌ها همچنان برقرار است و تداوم دارد. از این رو، معلم بعد از والدین نقش بسیار مهمی در شکل‌گرفتن ساختار روانی، تحصیلی، فکری و هویتی کودک دارد. بسیاری از معلمین می‌توانند ارتباط عاطفی با کودک برقرار کنند به طوری که کودک به میزان زیاد و گاهی به اندازه والدین خود به معلم علاقه‌مند و دلبسته می‌شود. از همه مهم‌تر به دلیل نوع ارتباط معلم با دانش‌آموز، که برنامه‌ریزی شده است به کودک حتی در خانه به سخن یا عمل معلم خود، نسبت به پدر و مادر، بیشتر بها می‌دهد و با استناد به سخنان معلم، رفتار و گفتار خود را تأیید و توجیه می‌کند. این نکته می‌رساند که تا معلم چه حد می‌تواند در تربیت کودک نقش کلیدی، داشته باشد. این امر اهمیت و نقش معلم را در شکل‌گیری شخصیت کودک نشان می‌دهد. معلم، اگر از سلامت روان برخوردار باشد، از نظر اخلاقی وضعیت مطلوبی داشته باشد از مبانی دینی آگاه و به آن معرفت داشته باشد طوری که علائم آن در رفتارش دیده شود؛ همچنین اگر وضعیت علمی او مناسب و به روز بوده و مسلط به

دو نهاد اساسی هر جامعه یکی خانواده و دیگری آموزش و پرورش است. نهاد خانواده بنیادی‌ترین و اولین آموزشگاه بشری است. (محسنی، ۱۳۷۱) بدون شک ویژگی‌های بنیادی هر کس از جمله وضعیت روانی او به تعبیر فروید (۱۹۸۹) در کودکی پایه‌ریزی می‌شود، و این امر در خانواده شکل می‌گیرد. همچنین اولین عناصر فرهنگی شامل خوردن، پوشیدن، چگونگی روابط اجتماعی، ذوقیات، سلاطین و بعضی از آداب و رسوم و حتی بخشی از قوانین جامعه در درون خانواده پایه‌ریزی می‌شود. (منادی، ۱۳۹۴) هویت اولیه کودک (قبیله‌ای، اخلاقی یا دینی، ملی) در خانه شکل می‌گیرد؛ در نتیجه، در حالت کلی، «تأثیر خانواده بر شخصیت افراد از امتیاز خاصی برخوردار است.» (پروین، ۱۳۷۴: ۱۵) و نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

در دنیای امروز کودک در سنین پایین به مدرسه سپرده می‌شود و در این دومین آموزشگاه یا نهاد آموزشی بیشترین ساعات خود را در مدرسه آن هم در شکل کلاس درس می‌گذراند. در این مرحله تکالیفی که معلم برای دانش‌آموز تعیین می‌کند

## پر واضح است که بهبود وضعیت مادی معلم، مورد احترام والدین دانش آموزان واقع شدن او و نیز جایگاه اجتماعی وی در بهرتر کار کردن و مفید بودن و اثربخش بودن او، نقش انکارناپذیری دارد

فرهنگی مهم‌تر از دو سرمایه دیگر است. در این باره وی معتقد است که، از بعضی جنبه‌ها، انتقال موروثی سرمایه فرهنگی مؤثرترین شکل انتقال یک سرمایه است زیرا تا حد زیادی به همان صورت موجود انجام می‌گیرد و کمتر قابل کنترل است، در حالی که ثروت اقتصادی از طریق اخذ مالیات قابل مهار است. سرمایه اقتصادی می‌تواند به کلی ارثی یا به کلی اکتسابی باشد، در حالی که سرمایه فرهنگی (تحصیلات و شناخت‌ها و مهارت‌ها) عمدتاً ارثی نبوده و اکتسابی است. سرمایه اجتماعی نیز می‌تواند از سرمایه اقتصادی یا سرمایه فرهنگی یا هر دو ناشی شود و این دو قابل انتقال به یکدیگر هستند.

پر واضح است که بهبود وضعیت مادی معلم، مورد احترام والدین دانش‌آموزان واقع شدن او و نیز جایگاه اجتماعی وی در بهتر کار کردن و مفید بودن و اثربخش بودن او، نقش انکارناپذیری دارد. ضمن اینکه در دنیای امروز، که عصر ارتباطات است، نقش رسانه‌ها نیز بسیار مهم است و نباید آن‌ها را نادیده گرفت. به باور کلاین برگ، رقبا، فرد، چه به نحو مثبت و در جهتی که گروه مورد قبول نشان می‌دهد رفتار کند و چه به نحو منفی، یعنی نظر به اینکه گروه مذکور را قبول ندارد در راهی خلاف راه و رسم گروه گام بردارد، در هر دو حال، معلول علتی اجتماعی است. پس اگر نخست خانواده و سپس مدرسه، یا معلم، بتوانند ارتباط آموزشی خوب و مناسبی با دانش‌آموزان برقرار بکنند، منابع دیگر به دشواری خواهند توانست تأثیری چشمگیر و اساسی داشته باشند.

این را هم باید دانست که معلمان، چون بر خلاف والدین که بیشتر غریزی و براساس تجربه فرزندان خود را تربیت می‌کنند، آموزش دیده‌اند و طبق برنامه‌های کارشناسی و برنامه‌ریزی شده در نهاد آموزش و پرورش کار می‌کنند و لذا قشر فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند، می‌توانند علاقه، عشق و انگیزه را در دانش‌آموزان خود تولید کنند و اگر این انگیزه خود وجود داشت آن را تقویت نمایند. در واقع، معلم می‌تواند با یک حرکت، یک رفتار و یا یک مثال دانش‌آموز بی‌انگیزه را علاقه‌مند به درس خواندن و علم‌آموزی کرده و آینده‌ای روشن و موفق را برایش ترسیم کند برعکس نیز رفتار تند و نادرست یک معلم یا بعضاً تحقیر و تنبیه دانش‌آموزی می‌تواند آن دانش‌آموز را انگیزه یا کم‌انگیزه را بیزار از علم و مدرسه بکند. باری، معلم نقش حیاتی و کلیدی در ساختن افرادی با انگیزه، علاقه‌مند، با اخلاق و وطن‌دوست دارد و اوست که می‌تواند فردای جامعه‌ای پیشرفته را تضمین کند.

روش‌های مناسب و تأثیرگذار باشد، نیز به عناصر ملی و میهنی جامعه خود، از جمله آثار باستانی، شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار نمودهای فرهنگی و اتفاقات مهم تاریخ گذشته علاقه‌مند بوده و بالاخره به تعبیر بوردیو، متفکر فرانسوی، از سطح سرمایه فرهنگی خوبی برخوردار باشند، در این صورت برای دانش‌آموز الگوهای بسیار مهمی خواهد بود و می‌تواند در آینده او سهم داشته باشد.

بوردیو معتقد است که هر کس دارای سه نوع سرمایه است. سرمایه اقتصادی، (مجموع درآمدهای مادی و دارایی‌های مختلف یک خانواده) سرمایه اجتماعی، (نوع و اندازه روابط اجتماعی با افراد طبقه خود و طبقات دیگر) و سرمایه فرهنگی، (که مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و شاید بتوان گفت پنهان‌ترین بخش داشته‌های فرد) است و عبارت است از داشته‌هایی که از طریق کنش‌های آموزشی و خانوادگی به فرزندان انتقال پیدا می‌کند. سرمایه فرهنگی، به‌زعم بوردیو، خود دارای سه بخش است:

**الف: سرمایه فرهنگی درونی شده** که بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی درونی شده، توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد شده است و آن را «عادت واره» می‌نامیم. عادت‌واره از یک سو «ساختاری است که خود ساختارهایی دیگر را می‌سازد» و از سوی دیگر، «منبع فکری کنترل‌کننده افکار و رفتار انسان است. این نوع سرمایه را می‌توان در فعالیت‌های فرهنگی افراد جامعه مانند، مطالعه، تماشای برنامه‌های غنی رسانه‌های تصویری، تماشای فیلم‌های معنی‌گرا، ارتباط خوب و متفکرانه با متون دینی و مکان‌های مذهبی مانند مسجد، رفتن به مکان‌های فرهنگی مانند سینما، موزه و آثار باستانی و غیره، مشاهده کرد. طبیعتاً هر چه این فعالیت‌ها بیشتر باشد، سطح سرمایه فرهنگی فرد افزایش می‌یابد.

**ب: سرمایه فرهنگی عینیت یافته**، که همان کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب و کتابخانه، مجسمه، تابلوهای نقاشی، آثار هنری و عتیقه می‌باشد.

**ج: سرمایه فرهنگی نهادینه شده**، که از جمله شامل صلاحیت‌های تحصیلی می‌شود که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی رسمی نمود عینی پیدا می‌کند.

به باور بوردیو هر سه سرمایه مهم هستند و با یکدیگر ارتباط دارند و حتی تا حدودی قابل تبدیل به یکدیگرند. البته قدرت تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه فرهنگی کمتر از قدرت تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی است. ولی سرمایه

\* منابع

۱. بوردیو پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیپها. تهران، انتشارات نقش و نگار.
۲. پروین، لارنس ای (۱۳۷۴). روان‌شناسی شخصیت، (نظریه و تحقیق). ترجمه: محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳. شمس، منصور (۱۳۸۴). آشنایی با معرفت‌شناسی. تهران، طرح‌نو.
۴. کلاین برگ، اتو (۱۳۷۲). روان‌شناسی اجتماعی. جلد دوم. ترجمه: علیمحمد کردان. تهران، نشر اندیشه.
۵. محسنی، منوچهر (۱۳۷۱). مقدمات جامعه‌شناسی. تهران، نشر چاپاک.
۶. منادی، مرتضی (۱۳۹۴). مردم‌نگاری خانواده. تهران، نشر آوای نور.
۷. میلنر، آندرو و جف براویت (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر. ترجمه جمال محمدی. تهران، انتشارات ققنوس.